

رهنمودهای رسول الله ﷺ
در مورد احکام جنائز

تهیه و تدوین:

دکتر خالد بن عبدالعزیز جناحی

ترجمه:

یوسف پیل بالا

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده داندلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.sadaiislam.com

www.islamtxt.com

www.islamhouse.com

www.ahlesonnat.com

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.kalemeh.tv

www.videofarsi.com

www.nourtv.net

فهرست مطالب

- 3..... مقدمه‌ی مترجم
- 5..... مقدمه‌ی مؤلف (چاپ دوم)
- 6..... مقدمه‌ی مؤلف (چاپ اول)
- 9..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد عیادت مریض
- 10..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد وصیت کردن
- 15..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در هنگام فرارسیدن مرگ
- 16..... رهنمودهای رسول الله ﷺ بعد از وفات
- 19..... رهنمودهای ایشان در هنگام رسیدن خبر مرگ کسی
- 22..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در تشخیص دادن عاقبت و سرانجام میت
- 25..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد غسل دادن میت
- 28..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد تکفین میت
- 29..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد حمل جنازه
- 32..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد نماز میت
- 37..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد خاکپاری میت
- 41..... رهنمودهای رسول الله ﷺ در مورد زیارت قبرستانها

- 43..... رهنمودهای رسول اللہ ﷺ در مورد تعزیت
- 44..... رهنمودهای رسول اللہ ﷺ در مورد سوگواری و عده وفات
- 46..... رهنمودهای رسول اللہ ﷺ در مورد آنچه که برای مرده منفعت دارد
- 47..... بدعت‌های متنوعی که انجام دادن آن جایز نمی‌باشد
- 51..... منابع مورد استفاده

مقدمه‌ی مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وأصحابه ومن والاه، اما بعد:

از آنجایی که دین مبین اسلام دینی کامل و بدون عیب و نقص می باشد، شایسته است که یک فرد مومن و مسلمان تعالیم راستین آن را - بدون اینکه چیزی بر آن افزوده یا از آن بکاهد - چراغ راه خود قرار داده، از قرآن که روشنگر راه مومنان و سنت که مبین قرآن است پیروی کرده و از بدعت گذاری در دین خودداری کند، چرا که رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ». یعنی: «کسی که در دینمان چیزی ایجاد کند که از آن نیست، بداند که عملش مردود است». متفق علیه. و امام مالک رحمه الله می فرماید: «من ابتدع في الإسلام بدعة يراها حسنة؛ فقد زعم أن محمد ﷺ خان الرسالة؛ لأن الله يقول: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾» فالم يكن يومئذ دينا؛ فلا يكون اليوم دينا». یعنی: «کسی که بدعتی را در دین بوجود بیاورد و آن را نیکو پندارد، در حقیقت گمان کرده است که رسول الله ﷺ در ابلاغ رسالتش کوتاهی کرده؛ زیرا الله ﷻ می فرماید: امروز دینتان را برایتان کامل کرده ام؛ پس هر آنچه که در آن روزگار جزو دین نبوده امروز نیز جزو دین بشمار نمی آید». امروزه متأسفانه به این تعالیم روح بخش الهی توجه چندانی نمی شود و بسیاری از دوستان نا آگاه و بعضاً هم دشمنان قسم خورده‌ی دانا تعالیمی را به دین وارد کرده اند که امروز بجای سنت رسول الله ﷺ بدان عمل می شود و این را بدانیم هر گاه سنتی را ترک کنیم قطعاً بدعتی جاگزین آن خواهد شد.

در طی قرون متمادی بعد از اصحاب و تابعین بسیاری از آداب و رسوم مردم در کنار سنت های نبوی به حوزه‌ی معتقدات مسلمان رسوخ کرد و بعدها به عنوان جزئی لاینفک از اعتقادات دینی تثبیت گردید. یکی از مصادیق زنده‌ی آن تشریفات کفن و دفن مرده‌های ماست که به وضوح می توان رد پای بدعت را در

آن مشاهده نمود تا جایی که تمسک به احادیث صحیح نبوی و عمل به سنت‌های راستین رسول اللہ ﷺ در این مورد کمرنگ می‌باشد.

برادران و خواهران مومن و غیور! بیایید تا با هم گرد و غبار بدعت و خرافات را از چهره‌ی دینمان بزدایم تا ما هم در جهت خدمت به دین ساهی داشته باشیم.
و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مقدم‌هی مؤلف (چاپ دوم)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على الهادي الأمين، وعلى آله وصحبه الغر الميامين، والذين اتبعوهم بإحسان إلى يوم الدين.

أما بعد:

ده سال از چاپ اول این کتابچه - که امیدوارم ان شاء الله سودمند واقع شده باشد - می‌گذرد و در واقع ده سال مارا به مرگ نزدیک گردانیده است؛ و در این بین این کتابچه به فضل و کرم الله ﷻ در بسیاری از کشورها توزیع شده که مورد قبول و پسند طلاب علم و تشییع کنندگان جنازه - آشنایی که دوست دارند باروش پیامبر ﷺ در این مورد آشنا شوند - قرار گرفته است. لذا مناسب دیدم که محتوای این کتاب را بازنگری کنم تا چنانچه سهوی یا اشتباهی از من سرزده باشد، آن را اصلاح کرده و سپس مسایلی را که به نظر مهم آمده و در چاپ قبلی از دید من پنهان مانده بدان افزوده باشم؛ همچنین خوانندگان عزیز را از بدعت‌هایی که مردم در امر تشییع جنازه و تعزیه بوجود آورده‌اند آگاه سازم.

از الله می‌خواهم که این عمل را در روزی که نه مال به درد انسان می‌خورد و نه فرزند، مایه‌ی قرب و نزدیکی در گاه خودش قرار دهد.

دکتر خالد بن عبدالعزیز الجناحی

15 ربيع الآخر 1434 هـ -

مقدم‌هی مؤلف (چاپ اول)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله حمداً يليق بجلال وجهه وعظيم سلطانه، وصلى الله على رسوله المصطفى محمد وآله واصحابه، ومن سار على صحبهم إلى يوم ميغاده.

أما بعد:

همانا راست‌ترین سخن، سخن الله است و بهترین روش، روش محمد ﷺ و بدترین کارها، امور جدیدی است که [در دین] بوجود می‌آید و هر چیز جدیدی [در دین] بدعت بشمار می‌رود و تمام بدعت‌ها گمراهیست و تمام گمراهی‌ها در دوزخ می‌باشند.

حال که دانستیم بهترین روش در تمام کارها، روش رسول الله ﷺ می‌باشد، پس روش ایشان در تشییع جنازه نیز قطعاً بهترین و کاملترین روشهاست؛ یکی از روشهای ایشان نیکی در حق میت بود و کارهایی را برایش انجام می‌داد که در قبر و بعد از آن به میت نفع می‌رساند؛ همچنین نیکی در حق خانواده‌ی میت نیز از عادت ایشان بود و به بهترین شیوه میت را آماده می‌کردند و سپس خود و اصحابش آنچنان نمازی بر او می‌خواندند که قبرش نور باران می‌شد و آنگاه از الله برای میت طلب مغفرت و رحمت می‌کردند سپس همراه جنازه می‌رفتند تا اینکه او را دفن می‌کردند.

نظر به اینکه احکام جنازه از جمله مسایلی است که همه‌ی افراد جامعه بدان نیاز مندند، لذا چیزهایی در آن دخیل شده که به دور از آموزه‌های دینی است. برای همین منظور تصمیم گرفتیم که یادداشتی هر چند کوچک و قابل حمل را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهیم تا راهنمودهای رسول الله ﷺ را در تمامی امور

جنازه برای مسلمانان خصوصاً تشییع کنندگان جنازه به روشی بیان کند که با عبادت مریض شروع گشته و تا دفن میت و تعزیه و سوگواری خانواده اش را در بر گرفته باشد. و این کتابچه بصورت مختصر و مفید تهیه شده است به طوری که به راحتی فرد مسلمان را بسوی فهم و تطبیق احکام جنازه و برپاداشتن آن بر طبق روش رسول الله ﷺ و بدور از انجام بدعتها راهنمایی می کند.

در این رساله کوچک از روش ابن قیم (رحمه الله) استفاده کردم چنانچه ایشان در کتاب «زاد المعاد» در بیشتر فصلهای کتاب مذکور از این جمله استفاده کرده است: «وكان من هديه ﷺ...، یعنی: و از رهنمودهای ایشان اینگونه بود...». و همچنین بر دلایلی که امام آلبنانی (رحمه الله) در کتاب اعجاب انگیزش بنام «احکام جنازه» به آن استدلال کرده اعتماد کرده ام و همچنین بعضی از فوائد فقهی که امام ابن عثیمین (رحمه الله) در شرحش بر کتاب «زاد المستقنع» آورده است را بدان افزوده ام سپس از مطالب مفیدی که در مراجع دیگر فقهی آمده است استفاده کرده ام.

از الله می خواهم که این کتاب را برای خوانندگان عزیز مفید واقع بگرداند و اجرش را شامل حال بنده و هر کسی که در چاپ و توزیعش همکاری کند بگرداند.

این کتابچه را در صبح روز جمعه برابر با (27 رمضان سال 1421 هـ) به اتمام رساندم.

تدوین:

د. خالد بن عبدالعزیز الجناحی

ره‌نموده‌ای رسول الله ﷺ در مورد عیادت مریض

راه و روش ایشان در مورد عیادت مریض اینگونه بود که به شخص مریض نزدیک می‌شد و بالای سرش می‌نشست، آنگاه از چگونگی حالش جو‌یامی شد و از اومی پرسید که چه چیزی میل دارد، آنگاه هر چه را که می‌دانست بر حال او مضر نیست برایش فراهم می‌کرد.

و از رهنمودهای ایشان اینگونه بود که دست راستش را بر مریض می‌کشید و این دعا را می‌خواندند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا بِشِفَاؤِكَ، شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا».

ترجمه: بار الها! ای پروردگار مردم! ناراحتی و درد را بردار و شفا بده که تو شفا بخشی و هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی عطا کن که چیزی از بیماری باقی نگذارد. (متفق علیه).

و از روش ایشان آنگاه که بر مریض وارد می‌شد اینگونه بود که می‌فرمود: «لَا بَأْسَ طَهُورًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

ترجمه: نگران نباش، اگر الله نخواهد این بیماری باعث پاک شدن گناهایت خواهد شد. (به روایت امام بخاری)

ایشان همیشه مردم را بر رفتن به عیادت مریض تشویق می‌کردند؛ چنانچه می‌فرمایند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا، إِلَّا ابْتَعَثَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ».

ترجمه: هیچ مسلمانی نیست که مسلمان دیگری را عیادت می‌کند مگر اینکه الله متعال هفتاد هزار ملائکه را می‌فرستد که بروی درودی فرستند. (امام احمد روایت کرده و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

یک نکته مهم: لازم است که هم مریض و هم خانواده‌ی مریض به این نکته توجه داشته باشند که هر

آنچه برایش مقدر شده گریز از آن ممکن نیست؛ پس مریضی او از جمله چیزهایی است که اللہ برایش مقدر کرده است، لذا لازم است که هم مریض و هم خانواده اش به فضای اللہ راضی و خوشنود باشند و بر آنچه که مقدر کرده صبر و بردباری از خود نشان دهند و اینکه نسبت به اللہ گماشتان نیکو باشد، چنانچه رسول اللہ ﷺ می فرماید: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ، وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ: إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ».

ترجمه: از حال مسلمان تعجب میکنم که همه ی کارهایش برای او خیر است و این وضع تنها برای مؤمن است که اگر چیزی که مایه ی شادی و سود است، برای او پیش آید، شکر میکند و خیر او در آن است و اگر ضرر [و سختی] برای او پیش آید، صبر میکند و خیر او در آن است. (به روایت امام مسلم).

همچنین ایشان می فرمایند: «لَا يَمُوتُنَ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

ترجمه: هر یک از شما باید قبل از وفات، گمان و ظنش را به اللہ متعال نیکو کند. (به روایت امام مسلم).

ره نموده ای رسول اللہ ﷺ در مورد وصیت کردن

از جمله ره نمودهای ایشان این بود که همیشه تشویق می کردند که هر فرد مسلمان باید وصیتی بصورت مکتوب داشته باشد - یا اینکه در هنگام وفاتش و در حضور شاهدان شفاهاً بیان کند - تا اگر حق و حقوقی از کسی

به گردنش باشد یا حتی او به گردن کسی باشد مشخص شود؛ چنانچه در حدیثی از ایشان روایت است: «مَا حَقُّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ يَبِيتُ لَيْلَتَيْنِ إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ مَكْتُوبَةٌ عِنْدَهُ».

ترجمه: برای مسلمان جایز نیست که دو شب بر او بگذرد بدون اینکه وصیت اش را نوشته باشد. (متفق علیه).

و همچنین فرمودند: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ مَظْلَمَةٌ لِأَخِيهِ، مِنْ عَرَضِهِ أَوْ مِنْ شَيْءٍ، فَلْيَتَحَلَّلْهُ مِنْهُ الْيَوْمَ قَبْلَ أَنْ لَا يَكُونَ دِينَارٌ وَلَا دِرْهَمٌ، إِنْ كَانَ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ أُخِذَ مِنْهُ بِقَدْرِ مَظْلَمَتِهِ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِهِ فَحُمِلَ عَلَيْهِ».

ترجمه: هر کس حقی از آبرو یا مورد دیگر از برادرش بر او هست و نسبت به او ستمی روا داشته است، همین امروز و پیش از آن که [روزی بیاید که] دینار و درهمی وجود ندارد از او حلالت بخواند [وزنه‌ی خود را از آن بری کند] زیرا [در قیامت برای جبران ظلمی که کرده است] اگر عمل صالح داشته باشد، به اندازه‌ی ظلمی که نموده است، از آن گرفته [و به اعمال صالح افراد مظلوم اضافه می‌شود] و اگر عمل صالح و حسنی نداشته باشد، از گناهان شخص مظلوم کم و به گناه ظالم افزوده می‌گردد. (به روایت امام بخاری).

به همین منظور و بخاطر اینکه در این دوران بدعت گذاری در دین خصوصاً در آنچه که به امر تکلیفی و تدفین میت تعلق دارد و انگیز بسیاری از مردم شده است، لذا برای هر فرد مسلمان لازم و ضروری است وصیت کند به اینکه غسل و کفن و دفنش کاملاً بر طبق سنت باشد.

لذا اصحابه رضی الله عنهم به این امر وصیت می‌کردند؛ چنانچه از حدیثی رضی الله عنه روایت شده که ایشان فرمودند: «هر گاه وفات یافتم، مرگ مرا به کسی اعلام نکنید، زیرا بیم آن دارم که اعلام خبر مرگم شامل

«نعی»^(۱) باشد که رسول اللہ ﷺ از آن بر حذر داشته است، زیرا خود از رسول اللہ ﷺ شنیدم که از این کار نھی فرمودند». (به روایت ترمذی، و علاه آلبانی آن را صحیح دانسته است).

از ابی بردہ رضی اللہ عنہ روایت شده که فرمودند: «ابو موسی رضی اللہ عنہ به هنگام وفاتش وصیت فرمودند که: آنگاه که جنازه مرا می برید، پس شتابان حرکت کنید و جنازه مرا با بخور و عود همراهی نکنید و میان من و لحد چیزی قرار ندهید که مانع تماس بدنم با خاک شود و بر قبر من گنبد و بارگاه نسازید و شمارا گواهی گیرم که من بیزارم از کسی که در هنگام مصیبت موسی کذ و صد ابلند کند و جمله دردد، گفتند: آیا در این مورد چیزی شنیده ای؟ فرمود: بده، از رسول اللہ ﷺ شنیده ام». (به روایت امام احمد و شیخ آلبانی آن را حسن دانسته است که اصل این حدیث در صحیحین آمده است).

لازم است که نکات زیر در وصیت رعایت شود:

نکته اول: این که شخص نباید وصیت کند بیشتر از یک سوم مالش را در راه اللہ انفاق کند؛ بلکه افضل این است که از آن نیز کمتر باشد، به دلیل حدیثی که از سعد بن ابی وقاص رضی اللہ عنہ روایت شده که فرمودند:

«جَاءَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَعُودُنِي عَامَ حَجَّةِ الْوُدَاعِ مِنْ وَجَعِ اسْتَدَّ بِي فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ بَلَغَ بِي مِنَ الْوَجَعِ مَا تَرَى، وَأَنَا ذُو مَالٍ وَلَا يَرْتُنِي إِلَّا ابْنَةٌ لِي، أَفَأَتَصَدَّقُ بِثُلْثِي مَالِي؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: فَالشُّطْرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: لَا، قُلْتُ: فَالْثُلْثُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الثُّلُثُ وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ أَوْ كَثِيرٌ إِنَّكَ إِنْ تَذَرَ وَرَثَتِكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَذَرَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ، وَإِنَّكَ لَنْ تُنْفِقَ نَفَقَةً تَبْتَغِي بِهَا وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا أُجِرْتَ عَلَيْهَا حَتَّى مَا تَجْعَلَ فِي فِي امْرَأَتِكَ».

ترجمه: رسول اللہ ﷺ سال حجة الوداع به خاطر درد شدیدی که داشتم به عیادتم آمد، به ایشان عرض کردم: ای رسول خدا ﷺ! از بیماری به حالی افتاده ام که می بینید، ثروت منم و جز یک دخترم

1- نعی: به رساندن و پیش کردن خبر مرگ در میان مردم اطلاق می شود.

وارثی ندارم، آیا می توانم دو سوم اموال خود را صدقه بدهم؟ فرمودند: خیر، گفتیم: آیا نصف آن را (صدقه بدهم)؟ فرمودند: خیر، گفتیم: آیا یک سوم آن را بدهم، فرمودند: کافی است، البته آن هم زیاد است، تو اگر ورثه ات را بی نیاز و ثروتمند به جای بگذاری بهتر از این است که آنها را فقیر بگذاری که به سوی مردم دست دراز کنند؛ هر انفاقی که تو برای کسب رضایت اللہ ﷻ کنی پاداش آن را خواهی یافت حتی اگر لقمه ای باشد که در دهان زنت بگذاری. (متفق علیه).

ابن عباس رضی اللہ عنہما می فرماید: «وَدِدْتُ أَنَّ النَّاسَ عَضُّوا مِنِ الثُّلُثِ إِلَى الرَّبِيعِ فِي الْوَصِيَّةِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الثُّلُثُ، وَالثُّلُثُ كَثِيرٌ».

ترجمه: دوست داشتم که مردم وصیتشان را از یک سوم به یک چهارم کم می کردند، زیرا رسول اللہ ﷺ فرمودند: یک سوم و یک سوم نیز زیاد است. (به روایت امام بخاری و مسلم).
نکته دوم: وصیت کند که به نیابت از او حج کنند و این در صورتی است که خود او موفق به ادای حج نشده باشد؛ و اینکه سهمی از مالش را در کارهای عام المنفعه (صدقه جاریه) بکاربرد تا پس از مرگش از اجر و ثواب آن بهره مند شود.

نکته سوم: بهتر است وصیت کند تا آن یک سوم مالش را که برای انفاق در راه اللہ در نظر گرفته به آن دسته از خویشاوندانش بخصوص فقرای آنها که وارث او محسوب نمی شوند بدهند.

نکته چهارم: اینکه در حق وارث وصیت نکند، بدینصورت که بخواهد چیزی را بدان سیفزیاید یا از آن بکاهد یا او را محروم کند، چنانچه رسول اللہ ﷺ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ فَلَا وَصِيَّةَ لِرِثٍ».

ترجمه: همانا خداوند به هر صاحب حقی، حقش داده است؛ لذا وصیت برای وارث جایز نیست. (به روایت ابو داود، ترمذی و ابن ماجه. و شیخ آل بانی آن را حسن دانسته است).

کتاب پنجم: اینکه در وصیتش به کسی ظلم نکند، یا اینکه خواسته باشد در وصیتش به کافر یا ظالمی اظهار محبت کرده باشد.

کتاب ششم: اینکه در وصیتش تاکید کند در صورتی که حقی را از کسی پایمال کرده - چه آن حق مادی باشد چه معنوی - یا ظلمی به کسی روا داشته است آن را به صاحبش بازگرداند.

کتاب هفتم: نباید در وصیت چیز باطل و خلاف شرع قید شده باشد، یا بدان تشویق کرده باشد یا سوی آن دعوت دهد؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ».

ترجمه: کسی که در این کار ما [اسلام و دستورات آن]، چیز تازه ای ایجاد کند که از آن نباشد، مردود است. (متفق علیه).

کتاب هشتم: وصیت کند که غسل و کفن و دفن مطابق با سنت مطهر رسول الله ﷺ بدون اینکه چیزی به آن افزوده شود، باشد.

کتاب نهم: وصیت کند که در مکان خاصی مانند منزل یا مقبره یا مسجد برای برگزاری مجلس تعزیه اجتماع نکنند.

کتاب دهم: اینکه بروصیتش، دو مرد عادل و مسلمان گواه گرفته شود؛ و در صورتی که مسلمانی دردسترس نبود، می توان دو مرد غیر مسلمان را گواه قرار داد و این بدان سبب است که وصیت شخص معتبر باشد و کسی به آن شک نکند، چنانچه الله تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةُ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ﴾ [المائدة: 106].

ترجمه: ای مومنان! هنگامی که [علائم و قرائن] مرگ یک-ی از شما فرارسید [و خواست درباره چیزی وصیت کند] باید در موقع وصیت دو نفر عادل از میان خودتان، [یا اگر در سفر

بودید و بلای مرگ دامنگیرتان شد [و به مسلمانان دسترسی نبود] از میان دیگران به گواه-ی گرفته شوند....

ره‌نموده‌ای رسول الله ﷺ در هنگام فرارسیدن مرگ

از جمله ره‌نمودهای ایشان در هنگام فرارسیدن مرگ، تلقین محققر (شخص رو به موت) به کلمه «لا إله إلا الله» بود، همانطور که در مورد عمولیش ابوطالب و نوجوان یهودی این کار را انجام دادند.

و آنگاه که ملک الموت - که نامگذاری آن در سنت به عزرائیل ثابت نشده است - جهت قبض روح شخص محققر از آسمان نزول میکند، سنت است کارهای زیر را در حق محققر انجام داد:

- سنت است که گوی شخص در حال احتضار بوسیده آب یا مانند آن خیس کرده شود، اما نباید زیاد باشد چون ممکن است دچار سرفه شود و به او ضرر برساند.
 - باینجه یاد ستمال لبه‌ایش مرطوب گردد؛ زیرا هم لبها و هم گوی محققر خشک می‌شود و این سبب می‌شود که به راحتی نتواند شهادتین را بر زبان جاری کند، لذا نیاز است که دستمال مرطوب کرده شود تا بهتر بتواند شهادتین را بر زبان بیاورد.
 - بطور واضح و روشن به وی تلقین «لا إله إلا الله» شود؛ زیرا رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ مَنْ كَانَ آخِرَ كَلِمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِنْدَ الْمَوْتِ؛ دَخَلَ الْجَنَّةَ يَوْمًا مِنَ الدَّهْرِ، وَإِنْ أَصَابَهُ قَبْلَ ذَلِكَ مَا أَصَابَهُ».
- ترجمه: به مردگان خود (کسانی که لحظه‌ی مرگشان فرارسیده است) کلمه‌ی "لا إله إلا الله" تلقین کنید؛ زیرا هر کس در هنگام مردن آخرین سختش کلمه‌ی "لا إله إلا الله" باشد روزی به

بهشت وارد می شود حتی اگر قبل از آن دچار سختی‌هایی بشود. (به روایت ابن حبان و شیخ آل‌بانی آن را حسن دانسته است). و جمله اولی در صحیح مسلم آمده است.

- برای کسانی که در آن مجلس حضور دارند لازم است که برایش دعا کنند و در حضور او جز خیر نباید بگویند؛ چرا که رسول معظم اسلام ﷺ می فرماید: «إِذَا حَضَرْتُمْ الْمَرِيضَ، أَوْ الْمَيِّتَ، فَقُولُوا خَيْرًا، فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلَى مَا تَقُولُونَ». (چون بر سر مرده یا مریض حاضر شدید، پس سخن خیر بگویند، زیرا فرشتگان به آنچه می گویند، آمین می گویند). (به روایت امام مسلم).

ره‌نموده‌ای رسول اله ﷺ بعد از وفات

شیده‌ی ایشان اینگونه بود: آنگاه که خبر وفات کسی به ایشان می رسید می فرمودند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». یعنی «ما از آن‌الله هستیم و به سوی او بازمی گردیم». و ایشان مردم را تشویق می کردند که در مقابل مصیبت‌ها صبر پیشه کنند، و پیوسته می فرمودند: «الْصَّبْرُ عِنْدَ أَوَّلِ صَدْمَةٍ».

(صبر، همان است که در آغاز مصیبت، باشد). (به روایت امام بخاری و مسلم).

آنگاه که از وفات شخص اطمینان حاصل کردیم، سنت است که کارهای زیر را انجام دهیم:

- چشمان میت را می بندیم و سپس در حقیقت آن دعای مشهوری را می کنیم که پیامبر در حق ابوسلمه کردند؛ چنانچه رسول‌الله ﷺ بر ابوسلمه وارد شد در حالی که [وفات کرده بود] چشمانش باز مانده بود. پس چشمتهای او را بست و آنگاه فرمود: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قُبِضَ تَبِعَهُ»

الْبَصْرُ فَصَحَّ نَاسٌ مِنْ أَهْلِهِ فَقَالَ: لَا تَدْعُوا عَلِيَّ أَنْفُسَكُمْ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُؤْمِنُونَ عَلِيَّ مَا تَقُولُونَ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَأَبِي سَلْمَةَ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي الْمَهْدِيِّينَ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَنَوِّرْ لَهُ فِيهِ وَاخْلُفْهُ فِي عَقْبِهِ».

ترجمه: وقتی روح قبض و از بدن خارج میشود چشم، او را دنبال می کند، عده ای از خویشاندان ابوسلمه فریاد کشیدند، پیامبر ﷺ فرمودند: برای خود جز دعای خیر نکنید؛ زیرا ملائکه بر آنچه می گویند آمین می گویند سپس فرمودند: خدایا! ابوسلمه را پیامر ز و مقامش را در میان هدایت یافتگان بلند فرما و قبرش را فراخ و نورانی گردان و از نسل او جانشینی در میان باز ماندگانش قرار بده. (به روایت امام مسلم).

- فلک پایین و بالا باید بوسیله یک تکه پارچه به هم بسته شود؛ بدین صورت که آن پارچه از پایین فلک رد کرده و بالای سرش گره زده می شود، زیرا اگر این کار انجام نشود ممکن است دهن مرده باز شود که در این صورت یک منظره نامناسبی از چهره مرده به جای می ماند.

- بر سر و صورت خود زدن، لباس پاره کردن، تراشیدن موی سر و با صدای بلند خویبهای مرده را ذکر کردن و مانند اینها شرعاً جایز نمی باشد؛ زیرا این کارها از اعمال ملتهابی بشمار می رود که به روز رستاخیز ایمان ندارند.

اما گریه ای که صرفاً سبب سر ازیر شدن اشک از چشمان عزادار و ناشی از حزن قلبی او باشد و همراه باداد و فریاد نباشد اشکالی ندارد زیرا رسول اللہ ﷺ زمانی که پسرش ابراهیم از دنیا رفت فرمودند: «إِنَّ الْعَيْنَ تَدْمَعُ وَالْقَلْبَ يَحْزَنُ، وَلَا نَقُولُ إِلَّا مَا يَرْضَى رَبُّنَا، وَإِنَّا بِفِرَاقِكَ يَا إِبْرَاهِيمَ لَمَحْزُونُونَ».

ترجمه: چشم‌ها، اشک می‌ریزد و دل اندوهگین است ولی ما سخی که موجب عدم خوشنودی اللہ ﷻ شود به زبان نمی‌آوریم. و ما بخاطر جدایی تو، ای ابراهیم! غمگین هستم. (به روایت امام بخاری و مسلم).

- نرم کردن مفصل‌های میت، و منظور از مفصلها، مفاصل دودست و دوپای باشد، بدین صورت که ساعد میت را با خم نمودن آرنج‌هایش به روی بازویش می‌بریم و برمی‌گردانیم [تا انعطاف پذیری اش حفظ شود] و سپس بازوهایش را از کتف [طی چند عمل رفت و برگشت] به پهلویش می‌چسبانیم و برمی‌گردانیم. و همینطور مفصلهای دوپا، بدینصورت که ساق پایش را [از زانوهای خم نموده] تا موازات رانهایش می‌بریم، سپس رانش را [از موضع لگن خم نموده] به شکمش نزدیک می‌کنیم و پس از آن، و قبل از اینکه آن مفاصل خاصیت خود را از دست بدهد و خشک شود آن را به جای اول بازمی‌گردانیم [تا انعطاف پذیری مرافق، کتف و زانوها حفظ شود] چون در غیر این صورت غسل دادن میت مشکل می‌شود.

- لباسش را از تنش بیرون می‌آوریم؛ زیرا اگر لباس میت را از تنش بیرون نیاوریم جسمش را گرم می‌کند و این سبب می‌شود سریعتر بدن میت فاسد شود. لذا زمانی که لباس را از تنش بیرون آوردیم جسمش سردتر خواهد شد؛ ولی باید دقت کرد که به آرامی این کار را انجام دهیم تا اذیت نشود.

- لازم است میت را با یک پارچه که تمام بدنش را می‌پوشاند، بپوشانیم؛ چنانچه سیده عایشه (رضی اللہ عنہا) می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ حِينَ تُوُفِّيَ سُجِّيَ بِبُرْدٍ حَبْرَةٍ».

ترجمه: (هنگامی که رسول اللہ ﷺ وفات یافت، با یک چادر سبز یمنی پوشانده شد). (به روایت امام بخاری و مسلم).

و این کار شامل کسانی که در حال احرام از دنیا رفته باشند نمی‌شود؛ چرا که انسان محرم سرو صورتش نباید پوشیده شود، به دلیل حدیث ابن عباس و قصه مردی که در عرفه ایستاده بود

و ناگهان از مرکبش افتاد و با شکستن گردنش فوت کرد، رسول الله ﷺ فرمود: «وَلَا تُحْمَرُوا رَأْسَهُ وَلَا وَجْهَهُ، فَإِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّيًّا».

ترجمه: (و سرونه صورتش را نپوشانید زیرا او روز قیامت لبیک گویان برانگیخته می شود).
به روایت شیخین (بخاری و مسلم).

• زمانی که مشخص شد شخص وفات یافته، باید در جهت آماده سازی میت برای کفن و دفن تعجیل کرد؛
به دلیل این فرموده رسول الله ﷺ که: «أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ».

ترجمه: (جنازه را هر چه زودتر به گورستان ببرید). (به روایت امام بخاری و مسلم).

• اینکه افرادی پرداخت بدهی های میت را از مال خود میت به عهده بگیرند حتی اگر نیاز باشد که تمام مالش را بدهند و در این کار هیچ گونه سهل انگاری روا ندارند؛ زیرا تا زمانی که بدهی میت پرداخت نشود، وی به سبب قرض و دینش [در قبر] محبوس و [بلا تکلیف] نگه داشته می شود، به دلیل حدیثی که سعد بن اطول رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت کرده که ایشان فرمودند: «إِنَّ أَحَاكَ مَحْبُوسٌ بِدِينِهِ، فَاذْهَبْ فَاقْضِ عَنْهُ».

ترجمه: (هانا برادرت بسبب بدهی هایش محبوس و نگه داشته شده است، پس برو و قرضش را ادا کن). (به روایت ابن ماجه و تصحیح شیخ آل بانی).

ره نموده ای ایشان در هنگام رسیدن خبر مرگ کسی

ره نمودهای رسول الله ﷺ کامل ترین ره نمودها بود، برای همین دو چیز راه آتش در هنگام شنیدن خبر مرگ قوم و خویش یا بیگانه یاد داده است:

- صبر در مقابل مصیبت مرگ و راضی شدن به تقدیر الهی؛ چنانچه الله می فرماید:

﴿وَلَتَبْلُؤُنَّكُمْ لَبَنٌ مِّنَ الْخُوفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ
وَالضَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا
إِلَيْهِ رَاغِبُونَ ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُولَئِكَ هُمُ
الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾﴾ [البقرة: 155-157].

ترجمه: قطعاً شما را با برخی از [امور همچون] ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها، آزمایش می کنیم، و مژده بده به بردباران * آن کسانی که هنگامی که بلائی به آنان می رسد می گویند: ما از آن خداسیم و به سوی او بازمی گردیم * آنان الطاف و رحمت و احسان و مغفرت پروردگارشان شامل حالشان می گردد، و به راستی ایشان راه یافتگان هستند).

- گفتن قول: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»، و می توان این جمله را سه از رسول الله ﷺ ثابت شده نیز بدان افزود: «اللَّهُمَّ اجْرِنِي فِي مُصِيبَتِي، وَاخْلُفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا».

ترجمه: (خدایا! مرا در مصیبتم مأجور بفرما و بهتر از آن را برایم جانشین او کن). (به روایت امام مسلم).

از مهم ترین چیزهایی که انجام آن بر اهل و خویشاوندان میت لازم است این است که بیشترین تعداد از اشخاص صالح و متقی و خویشاوندان میت را از وفاتش با خبر سازند؛ چرایی که با این کار تعداد بیشتری از انسانهای صالح و پرهیزکار بر میت نمازی خوانند و در حشش دعای کنند و همچنین کسی که خبر وفات را می دهد از مردم بخواهد که برای میت طلب آمرزش کنند؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «اسْتَغْفِرُوا لِأَحْبَبِكُمْ»

ترجمه: (برای برادران آمرزش طلب کنید). (به روایت امام بخاری و مسلم).

یک تذکر مهم:

نباید خبر وفات شخص را مانند یهود و نصاری که از طریق تلویزیون و روزنامه اعلام می کنند، اعلام کنیم؛ و می ترسم کسانی که به این صورت خبر وفات را اعلام می کنند، شامل این حدیث نبوی بشوند که می فرماید: «لَتَتَّبِعَنَّ سَنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ، وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّىٰ لَوْ سَلَكَوْا جُحْرَ ضَبِّ لَسَلَكَتُمُوهُ». قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى. قَالَ: «فَمَنْ».

ترجمه: (شما) واجب به واجب و ذراع به ذراع از روش پیشینیان، پیروی خواهید کرد. حتی اگر آنان وارد سوراخ سوساری شده باشند شما نیز وارد آن خواهید شد».

راوی می گوید: گفتیم: ای رسول خدا! منظور از گذشتگان، یهود و نصاری است؟ فرمود: «پس چه کسی است». (به روایت امام بخاری و مسلم).

• سنت است که برای خانواده میت غذا درست کنند، چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «اصْنَعُوا

لِآلِ جَعْفَرٍ طَعَامًا فَقَدْ أَتَاهُمْ مَا يُشْغِلُهُمْ».

ترجمه: (برای آل جعفر غذایی درست کنید که بر آنها مصیبتی آمده که آنها را مشغول نموده است). (به روایت ابو داود و ترمذی و تحسین آلبانی).

در روزگار ما متأسفانه مردم بدعت را به سنت، و سنت را به بدعت تغییر داده اند؛ لذا دقیقاً عکس این حدیث دارند عمل می کنند، بطوری که این خانواده میت هستند که برای میهمانانی که جهت تسلیت آمده اند غذا درست می کنند؛ گویا مجلس پذیرایی برپا شده است، واللهم المستعان!!

ره‌نموده‌ای رسول‌الله ﷺ در تشخیص دادن عاقبت و سرانجام میت

در این باب بعضی احادیث و آثاری که از رسول‌الله ﷺ ثابت شده و ممکن است بشارتی مبنی بر حسن خاتمه میت، بر خانواده و خویشاوندانش باشد را جمع آوری کردم که به شرح زیر می‌باشد:

- اینکه آخرین ستمش کلمه (لا اله الا الله) باشد.
- مردن همراه با عرق پیشانی؛ چنانچه بریده بن حبیب رضی الله عنه که در خراسان بودند فرمودند: الله اکبر، شنیدم که رسول‌الله ﷺ می‌فرمود: «مَوْتُ الْمُؤْمِنِ بِعَرَقِ الْجَبِينِ».
- ترجمه: (مرگ مومن با عرق پیشانی است). (امام احمد و ترمذی و نسائی و ابن ماجه روایت کرده‌اند و شیخ‌الالبانی آن را حسن دانسته است).
- شهید شدن در میدان جهاد، فوت کردن شخصی که برای جهاد در راه الله خارج شده باشد و نیز مردن بسبب مریضی طاعون، یا مردن بسبب شکم درد؛ بدلیل حدیثی که از رسول‌الله ﷺ وارد شده که ایشان فرمودند: «مَا تَعُدُّونَ الشُّهَدَاءَ فِيكُمْ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. قَالَ: «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِي إِذَا لَقِيْلُ» قَالُوا: فَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الطَّاعُونِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ مَاتَ فِي الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَالْغَرِيْقُ شَهِيدٌ».

ترجمه: «شما چه کسانی از خود را شهید می‌دانید؟» گفتند: ای رسول خدا! کسی که در راه خدا کشته شود، شهید است، رسول‌الله ﷺ فرمودند: «در این صورت شهدای امت من کم هستند!» گفتند: پس شهدا چه کسانی هستند ای رسول خدا؟! رسول‌الله ﷺ فرمودند: «کسی که در راه خدا کشته شود، شهید است و کسی که در راه خدا بمیرد، شهید است و کسی که از مرض طاعون بمیرد، شهید است و کسی که از شکم درد بمیرد،

شهادت است و غرق شده، شهید است». (به روایت امام مسلم).

- کسی که در اثر آتش سوزی بمیرد و کسی که زیر آوار بمیرد و کسی که در اثر درد پهلوی بمیرد و زنی که بر اثر درد زایمان بمیرد.

رسول الله ﷺ می فرماید: «الشهداء سبعة» - سوی القتل فی سبیل الله: المطعون شهید، والغریق شهید، وصاحب ذات الجنب شهید، والحرق شهید، والذي یموت تحت الهدم شهید، والمرأة تموت یجمع شهیده».

ترجمه: شهدا هفت گروه اند: بجز کسی که در راه الله کشته شده، کسی که در اثر طاعون و وبا بمیرد شهید است، کسی که در اثر غرق شدن در آب، بمیرد شهید است، و کسی که بر اثر بیماری سینه پهلوی بمیرد، شهید است، و کسی که در اثر آتش سوزی وفات کند، شهید است، کسی که زیر آوار، فوت نماید، شهید است، و زنی که در اثر درد زایمان فوت کند، شهید است. (امام مالک و ابوداود و نسائی و شیخ آلبنانی آن را صحیح دانسته است).

- مردن در اثر مریضی سل؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «والسُّل شهادة».
- ترجمه: [مردن در اثر] مرض سل شهادت محسوب می شود. (به روایت طبرانی و تحسین آلبنانی).
- مرگ در راه دفاع از دین و جان و مرگ در راه دفاع از مال، که منظور مالی است که از انسان غصب شده باشد؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ».

ترجمه: آنکه در راه دفاع از مالش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از خانواده اش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از دینش کشته شود شهید است، و آنکه در راه دفاع از جانش کشته شود شهید است. (به روایت ابوداود و تصحیح آلبنانی).

• کسی که در حال نگهبانی دادن در راه الله از دنیا برود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «رَبَاطُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ، وَإِنْ مَاتَ فِيهِ جَرِي عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ، وَأُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ، وَأَمِنَ الْفِتَانَ».

ترجمه: مرزبانی و نگهبانی کردن از مسلمانان و جایگاه آنان در جنگ به مدت یک شبانه روز، بهتر از روزه داری و شب بیداری برای عبادت در یک ماه است و اگر شخص در حال مرزبانی و نگهبانی ببرد، عمل خیری که انجام داده است، برای همیشه برای او منظور و موجب رحمت می گردد و روزی او (در بهشت) مقرر و پایدار میشود و از قنیه و مخاطرات بعد از مرگ، محفوظ و در امان می باشد. (به روایت امام مسلم).

• مرگ پس از انجام دادن عمل صالح؛ چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ خُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَمَنْ صَامَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ خُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ وَمَنْ تَصَدَّقَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ خُتِمَ لَهُ بِهَا، دَخَلَ الْجَنَّةَ».

ترجمه: کسی که بخاطر رضای الله «لا اله الا الله» بگوید و پس از آن از دنیا برود، به بهشت داخل می شود؛ و کسی که یک روز را بخاطر الله روزه بگیرد و سپس از دنیا برود، وارد بهشت می شود؛ و کسی که بخاطر الله صدقه بدهد و سپس از دنیا برود وارد بهشت می شود. (به روایت امام احمد و تصحیح آل بانی).

• کسی که حاکم ظالمی را نصیحت کند و به او تذکر دهد، سپس حاکم او را بکشد، چنانچه رسول الله ﷺ می فرماید: «سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ، حَمْرَةُ ابْنِ عَبْدِ الْمَطْلَبِ، وَرَجُلٌ قَامَ إِلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَأَمْرَهُ وَنَهَاها فَقَتَلَهُ».

ترجمه: سرور و سالار شهیدان حمزه بن عبدالمطلب است، و [نیز] مردی که به نزد حاکم ظالمی رفته و او را نصیحت کند، سپس آن حاکم او را بکشد. (به روایت حاکم، و تصحیح آلبنی).

تذکر مهم: بسیاری از مردم کلمه (شهید) را برای هر کسی که کشته می شود به طور یقینی و قطعی اطلاق می کنند^(۱) و این جایز نمی باشد؛ بلکه باید اینگونه بگوییم: از اللّٰه می خواهیم که او را در زمره ی شهدا قرار دهد، نه اینکه با اطمینان بگوییم فلانی شهید شده است. لذا می بینیم که علمای امثال امام بخاری در صحیحش باین باب این عنوان تخصیص داده است: (باب: اینکه کسی نگوید فلانی شهید شده است).

رهنموده‌ای رسول اللّٰه ﷺ در مورد غسل دادن میت

از رهنمودهای ایشان این بود که میت را به سرعت برای کفن و دفن آماده می کردند، لذا زمانی که میت تمیز گشته و به آن بوی خوش مالیده می شد، او را در کفن سفیدی می پیچیدند و بعد رسول اللّٰه ﷺ بر او نماز می خواندند.

برادر مسلمان بدان که: در درجه اول سزاوارترین فرد برای غسل دادن میت کسی است که میت وصیت کرده باشد و در درجه دوم پدرش، سپس پدر بزرگش، سپس اقوام و خویشاوندانش.

برای غسل دهنده واجب است که در هنگام غسل دادن میت نکات زیر را رعایت کند:

1- اهل سنت و جماعت اطلاق کلمه ی « شهید » را برای کسانی که نص حدیث در موردشان ثابت نشده جایز نمی داند، زیرا زمانی که لقب « شهید » به کسی می دهیم یعنی بهشتی بودنش را تضمین کرده ایم؛ به همین صورت نمی توان در مورد شخص مسلمانی که از دنیا می رود گواهی بهشتی یا دوزخی بودنش را داد، زیرا این مسایل جزو امور غیبی محسوب می شود.

اول: لازم است که میت را در هنگام غسل دادن بانگه ای از جمله یا پارچه ای پوشانند تا عورتش از انظار مردم مخفی بماند.

دوم: باید غسل دهنده با سنت آشنایی داشته باشد؛ همچنین امانت دار باشد تا چنانچه عیبی را در بدن میت مشاهده کند، آن را فاش نسازد تا بدینوسیله پاداش بزرگی را برای خود کسب کرده باشد.

سوم: سر میت را به طرف خود بلند کرده، سپس به آرامی به تکمیش فشار وارد می کند که در این هنگام باید زیاد آب بر روی میت ریخته شود.

چهارم: بنگه پارچه ای را دور دست خود پیچیده (یا دست کش بدست می کند) و آن را از زیر پارچه ای که بوسیله آن عورت میت را پوشانده، بر بدن میت می کشد.

پنجم: بعد از آن، آن بنگه پارچه یا دست کشی را که بوسیله آن عورت میت را شسته بود، از دست خود در آورده و با دست کش جدیدی بقیه بدن میت را می شوید.

ششم: سنت است کسی که میت را غسل می دهد قبل از غسل دادنش، میت را وضو دهد اما آب را در بینی و دهانش نکند.

هفتم: سپس [غسل دهنده] همانند انسان زنده که غسل جنابت می کند، [در قلبش] نیت غسل را بجا می آورد.

هشتم: سپس نام الله را بر زبان می آورد و می گوید: (بسم الله).

نهم: سه بار او را غسل می دهد و در صورت نیازی تواند بیشتر از آن نیز غسل دهد اما به شرط اینکه بصورت وتر (طاق) باشد.

دهم: همراه با غسل، سدر (برگ درخت کنار) یا چیزهایی مشابه آن [در خاصیت] مانند صابون استعمال کند.

یازدهم: بهتر است که همراه با آخرین غسل کمی بوی خوش و کافور نیز بکار برود.

دوازدهم: اگر میت زن باشد موهای بافته شده اش را از هم باز کرده و خوب آن را بشوید؛ و اگر بتواند به آرامی موهای سرش را آنچنانکه نریزد شانه کند، این کار را انجام دهد؛ و پس از آن در سه ردیف آن را بپاند. چنانچه ام عطیه روایت می کند که زینب دختر رسول الله ﷺ را اینگونه غسل دادند و رسول الله ﷺ هم آن را تایید فرمودند.

سیزدهم: غسل از سمت راست، و از اعضای وضو شروع شود.

چهاردهم: در طول مراحل غسل عورت میت باید پوشیده باشد.

پانزدهم: کسی که [به هر دلیل] نشود او را غسل داد، صرفاً کفن کرده می شود.

شانزدهم: اعضای قطع شده غسل داده شود و همراه میت دفن شود.

هفدهم: جنینی که از شکم مادر سقط شده باشد اگر چهار ماه از آن گذشته باشد، غسل داده می شود.

هجدهم: میت مذکر را مردان غسل می دهند و میت مؤنث را زنان؛ و همچنین شوهر می تواند همسرش را غسل دهد و زن می تواند شوهرش را غسل دهد.

نوزدهم: برای کسی که میت را غسل می دهد مستحب است که پس از آن غسل کند؛ چنانچه رسول

الله ﷺ می فرماید: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَلْيَغْتَسِلْ، وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ».

ترجمه: هر کس جنازه ای را شست، باید غسل کند و هر کس آن را حمل کرد، باید وضو بگیرد. (به روایت ابوداود و تصحیح آلبنی).

ره‌نموده‌ای رسول‌الله ﷺ در مورد تکفین میت

از ره‌نموده‌های ایشان در مورد تکفین میت این بود، زمانی که شخصی وفات می‌یافت اگر امکان داشت اوراد پارچه‌ی سفید کفن می‌کرد، و پیوسته می‌فرمود: «البسُوا مِنِّيَابِكُمْ البَيَاضَ فَإِنَّهَا مِنِّي حَيْرٌ ثِيَابِكُمْ وَكُنْتُمْ فِيهَا مَوْتَاكُمْ».

ترجمه: لباسهای سفیدتان را بپوشید؛ زیرا آن از بهترین لباسهای شماست و مرده‌های خود را در آن کفن کنید. (امام ابو داود و ترمذی و ابن ماجه روایت کرده‌اند و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است). رسول‌الله ﷺ در سه تکه پارچه سفید میانی کفن شدند.

کسی که میت را کفن می‌کند باید موارد زیر را رعایت کند:

- 1- میت زن و مرد در سه تکه پارچه سفید کفن شوند و اگر سفید نباشد نیز اشکال ندارد.
- 2- کفن باید تمیز و ضخیم و مناسب باشد و از زیاده روی در امر کفن خودداری شود.
- 3- مستحب است که کفن بوسیله بخور معطر شود.
- 4- سپس کفن‌ها را یکی پس از دیگری روی هم قرار داده و خوشبو کننده و کافور میان آنها قرار داده شود.
- 5- سپس میت بر پشت روی کفن خوابانده شود.
- 6- بعد از این مراحل مقداری پنبه را با مقداری مواد خوشبو آغشته کند و آن را در مقعرش قرار دهد، و اعضای تناسلی آن را کنار هم قرار داده و به آرامی بایک پارچه به هم بندد تا اگر چیزی از مقعرش خارج شد آن خوشبویی که در آن بکار رفته مانع از انتشار بوی بد آن شود.
- 7- سپس باقی مانده آن پنبه آغشته به خوشبویی را در دو گوش و بینی و دهانش قرار داده و اعضای سجودش را نیز به خوشبو کننده آغشته کند.

8- بعد از آن لایه فوقانی کفن را به طرف راست صورتش ولایه دیگر را از بالای آن به طرف دیگر صورت پچانده و سپس لایه دوم و سوم نیز بدین صورت عمل شود؛ ولی اگر میت در حال احرام از دنیا رفته باشد نباید سرش پوشیده شود.

9- سپس کفن را بهم گره زده که نهایتاً در قبر گره باز کرده می شود.

توجه: بعضی از مردم عادت کرده اند که کفن را از چهره میت باز کرده و صورتش را روبه زمین قرار می دهند. هیچ دلیلی بر این عمل در شرع ثابت نشده است.

ره نموده ای رسول الله ﷺ در مورد حمل جنازه

از جمله رهنمودهای ایشان شرکت در تشییع جنازه بود و به اصحاب و یاران خود نیز فرمودند که شرکت در تشییع جنازه از حقوق مسلمان بر گردن مسلمانهاست؛ چنانچه می فرماید: «حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَعِيَادَةُ الْمَرِيضِ، وَاتِّبَاعُ الْجَنَائِزِ، وَإِجَابَةُ الدَّعْوَةِ، وَتَشْمِيتُ الْعَاطِسِ».

ترجمه: حق مسلمان بر مسلمان، پنج چیز است: جواب سلام؛ عیادت مریض؛ تشییع جنازه؛ قبول دعوت او؛ دعای خیر در هنگام عطسه کردن. (متفق علیه).

و رسول الله ﷺ بیان فرمودند که شرکت در تشییع جنازه اجز بسیار بزرگی دارد؛ چنانچه فرمودند: «من اتبع جنازة مسلم إيماناً واحتساباً حتى يُصلى عليه، فله قيراط، ومن شهدا حتى تُدفن، فله قيراطان من الأجر، قيل: يا رسول الله! وما القيراطان؟ قال: كل قيراط مثل أحد».

ترجمه: هر کس جنازه‌ی مسلمانی را از روی ایمان و اخلاص و به امید اجر و پاداش خدا، تازمانی که بر او نماز خوانده می‌شود مشایعت کند، یک قیراط اجر و پاداش نصیبش می‌شود؛ و اگر شاهد دفن نیز باشد دو قیراط اجر و پاداش نصیبش می‌شود، گفته شد: ای رسول خدا دو قیراط چه مقدار است؟ فرمودند: هر قیراطی به اندازه کوه احد می‌باشد. (متفق علیه).

لازم است که تشییع کنندگان جنازه نکات زیر را رعایت کنند:

اول: جایز نیست که تشییع جنازه با اعمال خلاف شرع انجام شود مانند: گریه کردن با صدای بلند، بانحوه و مانند آن میت را همراهی کردن و نیز در هنگام تشییع جنازه با صدای بلند ذکر گفتن؛ چرا که این کارها بدعت محسوب می‌شود در شرع مطهر بدان امر نشده؛ بلکه لازم است که در هنگام تشییع جنازه سکوت اختیار شود و بیندیشیم و عبرت بگیریم.

دوم: باید در هنگام بردن جنازه به صورت شتابان حرکت شود و از دیدن که در اثر آن میت زیاد تکان می‌خورد خودداری شود؛ چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «أَسْرِعُوا بِالْجَنَازَةِ، فَإِنْ تَكُ صَالِحَةً، فَخَيْرٌ تَقَدَّمُونَهَا إِلَيْهِ، وَإِنْ تَكُ سَيِّئَةً، فَشَرٌّ تَضَعُونَهُ عَنْ رِقَابِكُمْ».

ترجمه: جنازه را هر چه زودتر به گورستان ببرید. اگر انسان نیکی باشد، پس او را زودتر به خیر می‌توانید در انتظارش می‌باشید؛ و اگر انسان بدی باشد زودتر شرمی را از روی شانه‌های خود بر زمین می‌گذارید. (متفق علیه).

سوم: جایز نیست که جهت حمل جنازه اطراف آن شلوغ شود؛ کما اینکه امروزه مردم این کار را می‌کنند، بلکه سنت این است که فقط چهار نفر جنازه را حمل کنند.

چهارم: می‌توان جلو جنازه یا پشت سرش یا از طرف راست و چپ به گونه‌ای که نزدیک جنازه باشد حرکت کرد، ولی بهتر این است که پشت سر جنازه حرکت کرده شود.

پنجم: راه رفتن با کفش یا دمپایی در بین قبرهای مسلمین کراهت دارد؛ و این به دلیل حدیثی است که از رسول الله ﷺ روایت شده، چنانچه ایشان مردی را مشاهده کردند که با دمپایی در بین قبرها راه می‌رفت، لذا ایشان فرمودند: «يَا صَاحِبَ السَّبْتَيْنِ، أَلَيْسَ سِبْتَيْتِكَ».

ترجمه: ای کسی که کفش به پا [در قبرستان راه می‌روی]، کفشهایت را در بیاور. (به روایت امام احمد و ابوداود و نسایی و ابن ماجه، و علاوه آلبانی آن را صحیح دانسته).

تذکره: لازم است تشییع کنندگان جنازه به این نکته توجه داشته باشند زمانی که همراه جنازه به قبرستان وارد می‌شوند دمپایی یا کفشهای خود را از پایشان بیرون بیاورند، مگر زمانی که در قبرستان خار و خشاک، یا گرمای شدید باشد که به پا آسیب می‌رساند؛ متأسفانه حتی خواص هم به این نکته توجهی ندارند چه رسد به عوام الناس.

تذکری دیگر: در بعضی از کشورها مشاهده کرده ایم که جنازه را در ماشین گذاشته و تا داخل قبرستان می‌برند! و این عمل با سنت نبوی منافات دارد، و تشییع کنندگان جنازه حکمت بزرگی که در حمل جنازه نهنفته است و آن عبرت گرفتن از جنازه است را از دست می‌دهند و همچنین از اجر و پاداش حمل جنازه محروم می‌شوند.

ششم: برای کسانی که جنازه را حمل می‌کنند مستحب است که وضو بگیرند، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَلْيَغْتَسِلْ، وَمَنْ حَمَلَهُ فَلْيَتَوَضَّأْ».

ترجمه: هر کس جنازه ای را شست، باید غسل کند و هر کس آن را حمل کرد، باید وضو بگیرد. (ابوداود و روایت کرده و شیخ آلبانی آن را صحیح دانسته است).

هفتم: شرکت در تشییع جنازه برای زنان مکروه می‌باشد.

ره‌نموده‌ای رسول اللہ ﷺ در مورد نماز میت

از جمله ره‌نموده‌های ایشان زمانی که جنازه‌ای را به خدمت ایشان می‌آوردند تا بروی نماز بخوانند این بود که می‌پرسیدند آیا بدهی ای به گردش است یا خیر؟ اگر بدهی به گردش نبود بروی نمازی خوانند، در غیر این صورت نمازی خوانند و به اصحاب اجازه می‌دادند که بر آن جنازه نماز بخوانند، چرکه چنانچه انسان بدکار باشد و از دنیا برود، بعد از مرگ در گرو بدهی اش می‌باشد و به بهشت وارد نمی‌شود تا اینکه بدهی اش را ادا کنند و نماز ایشان به منزله شفاعت در حق میت بود و شفاعت ایشان نیز قطعاً مورد قبول اللہ ﷻ واقع می‌شد، اما زمانی که اللہ ﷻ از مال دنیا به ایشان عطا فرمود، بدهی میت را ادای فرمود و سپس بروی نمازی خوانند و مال میت را برای میراث بران می‌گذاشت.

امام باید نکات زیر را در نماز جنازه رعایت کند:

اول: اینکه نماز جنازه در مصلائی که مخصوصاً جهت خواندن نماز جنازه ساخته شده است باشد؛ و اگر در مسجد خوانده شود نیز مانعی ندارد اما افضل و بهتر آن است که در مصلا خوانده شود؛ و نماز جنازه را آنگاه که جنازه بر زمین گذاشته شد باید خواند.

دوم: اینکه نماز جنازه در آن اوقات سه گانه ای که خواندن نماز در آن نهي شده، خوانده نشود مگر زمانی که اهل علم تشخیص دهند که ضرورت ایجاب می‌کند خوانده شود؛ و این اوقات سه گانه عبارتند از: وقتی که خورشید طلوع می‌کند تا مقداری بالا آید، زمانی که خورشید در وسط آسمان است تا زوال کند، و زمانی که خورشید در آستانه غروب قرار می‌گیرد تا غروب کند. چنانچه در حدیث عقبه بن عامر که در ادله می‌آید خواهم دید.

توجه: بسیاری از تشییح کنندگان جنازه عادت کرده‌اند که جنازه خود را نزدیک غروب به خاک می‌سپارند، در حالی که - چنانچه در باب بعدی بیان خواهد شد - رسول اللہ ﷺ از این کار نهي فرموده‌اند.

همچنین از صحابه نیز روایت شده که از این کار نهی می کردند؛ چنانچه امام بیهقی روایت می کند که: هنگامی که خورشید ربه زردی رفته و نزدیک غروب شده بود، جنازه ای در قبرستان بصره آورده شد اما نماز بروی خوانده نشد تا خورشید غروب کرد، آنگاه ابو برزه رضی الله عنه دستور داد تا منادی ندا دهد و مردم را جهت خواندن نماز با خبر سازد، آنگاه نماز اقامه شد و در حالی که انس بن مالک و ابو برزه که هر دو از صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله بودند در بین مردم حضور داشتند، ابتدا نماز مغرب به امامت ابو برزه خوانده شد سپس بر جنازه نماز خواندند. (شیخ آلبانی این اثر را حسن دانسته است). « احکام جناز » (166).

یک تذکر مهم: اگر زمانی که مردم در قبرستان در انتظار آماده شدن میت جهت خاک سپاری بودند و در این هنگام وقت نماز فرض فرارسید، باید از قبرستان خارج شده و برای ادای فریضه نماز به مسجد خارج قبرستان بروند؛ چرکه در احادیث متعددی رسول الله صلی الله علیه و آله از خواندن نماز در قبرستان نهی فرموده اند، از جمله آن احادیث، حدیث عبد الله بن عمرو بن عاص است که می فرماید: « أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله نَهَى عَنْ الصَّلَاةِ فِي الْمَقْبَرَةِ ».

ترجمه: (رسول الله صلی الله علیه و آله از خواندن نماز در قبرستان نهی فرمودند). (شیخ آلبانی آن را در کتاب « صحیح موارد الظمان » صحیح دانسته)

سوم: هر قدر تعداد انسانها بیشتر باشد، برای میت بهتر و پر منفعت تر است، و هر گاه تعداد به صد نفر رسید، شفاعتشان در حق میت قبول می شود؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: « مَا مِنْ مَيِّتٍ يُصَلِّي عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْلُغُونَ مِئَةَ كُلُّهُمْ يَشْفَعُونَ لَهُ إِلَّا شَفَعُوا فِيهِ ».

ترجمه: اگر جماعتی از مسلمانان که به صد نفر برسند بر مرده ای نماز بگذارند و همه ی آنها برای مرده شفاعت و طلب آمرزش کنند، شفاعت آنها در مورد او قبول واقع و وی بخشوده می شود. (به روایت امام مسلم).

چهارم: مستحب است که پشت سر امام در سه صف و مانوق آن قرار گیرند. چنانچه از مالک بن هبیره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَمُوتُ فَيُصَلِّي عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ صُفُوفٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا غُفِرَ لَهُ».

ترجمه: هر مسلمانی که بمیرد سه صف از مسلمانان بروی نماز گزارند، گناهایش بخشیده می شود. (به روایت ابوداود و شیخ آلبنانی آن را حسن دانسته است).

پنجم: حاکم یا نماینده اش برای نماز خواندن بر جنازه مستحق تر از ولی میت می باشد؛ و اگر حاکم یا نماینده اش حضور نداشتند افرادی که در قرائت قرآن از همه ماهر ترند امامت بدهند و سپس به همان ترتیبی که در حدیث آمده است، چنانچه می فرماید: «يَوْمَ الْقَوْمِ أَفْرَوْهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنْ كَانُوا فِي السُّنَّةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةَ فَإِنْ كَانُوا فِي الْهَجْرَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ سِلْمًا، وَلَا يُؤَمِّنُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ وَلَا يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ عَلَى تَكْرَمَتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ».

ترجمه: افرادی که در قرائت قرآن از همه ماهر تر هستند، امامت بدهند، اگر همه در قرائت با هم برابر بودند، کسی که در سنت از دیگران آگاهتر است؛ اگر همه در علم به سنت برابر بودند، کسی که در هجرت از دیگران پیشی گرفته، اگر در هجرت هم برابر بودند؛ کسی که زودتر از دیگران مسلمان شده است. و کسی حق ندارد در حیطه قدرت کسی دیگر (بدون اجازه اش) امامت دهد، و در خانه اش بر مکان مخصوصی که می نشینند، ننشیند؛ مگر با اجازه اش. (به روایت امام مسلم).

ششم: اگر میت مرد باشد امام کنار سرش می ایستد و اگر زن باشد کنار عتقش می ایستد.
هفتم: و چهار تکبیر، یا پنج تکبیر، یا شش تکبیر، یا هفت تکبیر و تانیه تکبیر می تواند بگوید؛ زیر اهره آنها از رسول الله صلی الله علیه و آله ثابت شده است.

توجه: مازاد بر چهار تکبیر جزو سنت‌های متروکه بشمار می‌رود. لذا شایسته است که علما در تطبیق آن بکوشند و بوسیله آموزش دادن به مردم و تطبیق آن بصورت عملی بین مردم منتشر کنند که ان شاء الله ماجور خواهند بود.

هشتم: در تکبیر اولی دست‌های راست را بلند می‌کند؛ همچنین می‌تواند در تمامی تکبیرها دست‌های راست را بلند (رفع یدین) کند. و برای مقتدیان لازم است که در کیفیت تکبیر از امام پیروی کنند، چنانچه امام هنگام گفتن تکبیر دست‌های راست را بلند کرده آنها نیز دست‌هایشان را بلند کنند و اگر چنین نکرد آنها نیز نباید دست‌هایشان را بلند کنند.

نهم: بعد از تکبیر اولی سوره فاتحه و یک سوره دیگر خوانده می‌شود.

دهم: پس از تکبیر دوم صلوات ابراهیمی خوانده می‌شود.

یازدهم: و بعد از تکبیر سوم بطور خلاصه برای میت دعا کرده می‌شود و دعاهایی که از رسول الله ﷺ

ثابت شده از قرار زیر است:

اول: «اللَّهُمَّ، اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ، وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ». (به روایت امام مسلم).

دوم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا وَعَائِبِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرْنَا وَأُنْتَنَا، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ». (به روایت ابوداود و ترمذی و ابن ماجه، و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

دوازدهم: و بعد از تکبیر چهارم دعای مخصوص میت است مانند این دعا [ها] که می‌گویی:

اول: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانَ بَنَ فُلَانٍ فِي ذِمَّتِكَ، وَحَبْلِ جِوَارِكَ، فَقِهِ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْوَفَاءِ، وَالْحَقُّ، فَاعْفُرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ». (به روایت ابوداود، و ابن ماجه و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است).

دوم: «اللَّهُمَّ عَبْدُكَ، وَابْنُ أُمَّتِكَ، احْتَاجُ إِلَى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِهِ، فَإِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ، وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ». (به روایت طبرانی و حاکم آن را صحیح دانسته است). (سپس هر دعایی که بخواند می تواند بکند).

سیزدهم: و اگر بخواند که نماز را پنج تکبیر یا بیشتر بخواند، این دعا را نیز بخواند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». (امام احمد روایت کرده و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است).

چهاردهم: سپس همانطور که در نمازهای فرض سلام می دهد، و بار سلام می دهد، چنانچه عبد اللہ بن مسعود رضی اللہ عنہ می فرماید: «ثَلَاثٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَفْعَلُهُنَّ تَرَكَهُنَّ النَّاسُ، إِحْدَاهُنَّ التَّسْلِيمُ عَلَى الْجِنَازَةِ مِثْلَ التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ».

ترجمه: سه خصلت است که رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم آن را انجام می دادند و مردم آن را ترک کرده اند، که یکی از آن سه خصلت سلام نماز جنازه بمانند سلام نمازهای فرض است. (امام بیهقی با سند حسن آن را روایت کرده است).

پنجمین جایز است که تنه با سلام اولی اکتفا شود؛ چنانچه ابوهریره رضی اللہ عنہ می فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى عَلَى جِنَازَةٍ، فَكَبَّرَ عَلَيْهَا أَرْبَعًا، وَسَلَّمَ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً». ترجمه: رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بر جنازه ای با چهار تکبیر و یک سلام نماز خواندند. (دار قطنی روایت کرده و شیخ آلبنی آن را حسن دانسته است). و تنوع در سلام نماز جنازه سنت است.

پانزدهم: سنت است که سلام نماز جنازه بصورت ستری باشد و در این امر امام و مقتدیان با هم برابرند؛

چنانچه سعد بن سعد بن حنیف انصاری رضی الله عنه می فرماید: «ثم یسلم سرا فی نفسه حین ینصرف، والسنۃ أن یفعل من وراءه مثلما فعل إمامه».

ترجمه: و آنگاه که می خواهد نماز را به پایان برساند بطور سری سلام می دهد و برای مقتدیان نیز سنت است که همانند امامشان عمل کنند. (امام شافعی در کتاب «الأم» روایت کرده و شیخ آلبنانی آن را صحیح دانسته است).

شازند هم: چنانچه کسی [از مقتدیان] به علت تاخیر، بعضی تکبیرات نماز را از دست داد، اگر ترس از این نداشته باشد که جنازه را بلند کنند، می تواند قضای تکبیرات از دست داده را به جای آورد و سلام دهد و اگر همراه امام نیز سلام دهد مانعی ندارد.

هفدهم: کسی که نماز جنازه از او فوت شد، به همان شیوه که بر جنازه نماز خوانده می شود، بر قبر نماز بخواند.

ره نموده ای رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد خاکسپاری میت

رسول الله صلی الله علیه و آله نمی فرمودند از اینکه میت در هنگام طلوع خورشید، و هنگام غروب، و زمانی که خورشید وسط آسمان باشد (یعنی اندکی قبل از زوال) به خاک سپرده شود. چنانچه عقبه بن عامر رضی الله عنه می فرماید: «ثلاثُ ساعاتٍ کان رسولُ الله صلی الله علیه و آله یُنْهانا أن نُصليَ فیهنَّ أو أن نقبر فیهنَّ مَوْتانا: حین تَطْلُعُ الشمسُ بازغَةً حتی ترتفعَ و حین یقومُ قائمُ الظهیرةِ حتی تمیلَ الشمسُ و حین تَصِیْفُ الشمسُ للغروبِ حتی تغرب».

ترجمه نسه وقت رسول الله ﷺ ما را از خواندن نماز و دفن مرده هایمان نهی می کرد، وقتی که خورشید طلوع می کند تا مقداری بالا آید، زمانی که خورشید در وسط آسمان است تا زوال کند و زمانی که خورشید در آستانه غروب قرار می گیرد تا غروب کند. (به روایت امام مسلم).
 برخلاف آنچه که بعضی عوام الناس اعتقاد دارند، خاک سپاری میت در شب نیز جایز است؛ چنانکه ابو بکر صدیق رضی الله عنه شبانه دفن شدند.

از جمله رهنمودهای ایشان رضی الله عنه قرار دادن لحد در قبر بود و می فرمود: «اللحد لنا و الشق لغيرنا».

ترجمه: لحد (حفره ای در جانب قبر) برای ماست، و شق (حفره ای وسط قبر) برای غیر ماست. (ابوداود روایت کرده و شیخ آل بانی آن را صحیح دانسته است).

همیشه دستور می دادند که عمق قبر را زیاد کنند و جای سر و دو پای میت را وسیع و فراخ کنند. و از جمله روش ایشان رضی الله عنه این بود: زمانی که میت به خاک سپرده می شد، سه بار بادست مبارکش از قسمت سر میت خاک بر روی قبر می ریخت.

رسول الله رضی الله عنه هر گاه از دفن میت فارغ می شد بر کنار آن می ایستاد و از الله تعالی می خواست که او را ثابت قدم بدارد و به اصحابش نیز دستور می داد از الله تعالی بخواهند که او را ثابت قدم بدارد. از جمله کارهایی که خلاف رهنمودهای رسول الله رضی الله عنه می باشد و امروزه برخی از مردم این کار را انجام می دهند تلقین میت است.

و همچنین از بلند کردن قبر و ساختن گنبد و بارگاه بر روی آن و قرار دادن قبر بعنوان عبادتگاه و برافروختن چراغ بر روی آن نهی فرمودند.

بر تشییع کننده لازم است که در رعایت موارد مربوط به دفن که در زیر بیان خواهد شد کوشا باشد:

اول: اینکه برای میت در قبرش «لحد» قرار دهد؛ لحد عبارت از حفره‌ای است که در کناره قبر به طرف قبله حفری شود.

دوم: اگر چنانچه حفر «لحد» امکان‌پذیر نبود، می‌تواند «شق» که عبارت است از حفره‌ای که در وسط قبر حفری شود، حفر کند.

سوم: اینکه عمق قبر را زیاد کند، و همچنین از جانب دوپا و سر میت نیز وسیع کند تا اینکه میت بوسیله سنگ و غیره ازیت نشود.

چهارم: کسی که می‌خواهد وظیفه گذاشتن میت در قبر را به عهده بگیرد باید مرد باشد نه زن، حتی اگر میت زن باشد.

پنجم: در درجه اول باید سر پرست میت، او را در قبر بگذارند، زیرا اللہ ﷻ می‌فرماید: ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾. [الأنفال: 75].

ترجمه: کسانی که با یکدیگر خویشاوندند برخی برای برخی دیگر سزاوارترند [و حقوق آنان] در کتاب اللہ [بیان شده است و حکم خدا بر آن رفته است].

ششم: شوهر می‌تواند شخصاً جسد همسرش را در قبر بگذارد.

هفتم: مستحب است کسی میت را درون قبر قرار دهد که شب قبلش با همسرش عمل جماع را انجام نداده باشد؛ حال فرقی نمی‌کند که این شخص شوهر میت باشد یا فردی دیگر؛ چنانچه رسول اللہ ﷺ زمانی که دخترش ام کلثوم همسر عثمان ﷺ را به خاک می‌سپرد فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْقَبْرَ رَجُلٌ قَارِفَ اللَّيْلَةِ أَهْلَهُ، فَلَمْ يَدْخُلِ عُثْمَانُ الْقَبْرَ».

ترجمه: مردی که شب گذشته با همسرش همبستر شده و وارد قبر نشود، لذا سیدنا عثمان ﷺ به قبر داخل نشد. (امام احمد روایت کرده و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

هشتم: سنت است میت را از آن قسمت قبر که پایش قرار می‌گیرد به قبر داخل گرداند.

نهم: میت در قبر بر پهلوی راست و روبه قبله خوابانده می شود.

دهم: و کسانی که میت را در لحد قرار می دهند، این جمله را می گویند:

«بسم الله، و علی سنة رسول الله، أو یقول: ملة رسول الله ﷺ».

ترجمه: بنام الله، و بر سنت رسول الله، یا می گوید: ملت رسول الله. (امام احمد و ابوداود و ابن ماجه روایت کرده اند و شیخ آل بانی آن را صحیح دانسته است).

توجه: گذاشتن بالش یا آجر در زیر رخسار میت یا آشکار کردن چهره اش از جمله مواردی است که خلاف سنت رسول الله ﷺ بشمار می رود.

یازدهم: برای تشییع کنندگانی که کنار قبر هستند پس از پوشیده شدن لحد، سنت است که از طرف سر میت با دو دست خویش سه بار خاک به داخل قبر بریزند.

دوازدهم: قبر باید به اندازه یک وجب بصورت خرپشته (تلی از خاک) از زمین بلند کرده شود و نباید همسطح زمین باشد و بتوان تشخیص داد تا مردم از روی آن رد نشوند.

سیزدهم: قبر به وسیله سنگ یا چیز برجسته ای علامت گذاری شود.

فایده: می توان میت را در نزد خانواده اش دفن کرد اما به شرط اینکه این کار سبب به وجود آمدن مشقت و تکلف نباشد که منجر به تأخیر افتادن خاک سپاری میت شود؛ چنانچه زمانی که عثمان بن مظعون رضی الله عنه وفات یافت و رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از دفن سنگی را به عنوان علامت در جایگاه سرش قرار دادند و فرمودند: «أتعلم بها قبر أخي، وأدفن إليه من مات من أهلي».

ترجمه: به وسیله این سنگ، قبر برادر من را نشانم گذاری می کنم و از خویشاوندانم هر کسی که وفات یافت در نزد او دفن می کنم. (ابوداود روایت کرده و شیخ آل بانی آن را صحیح دانسته است).

چهاردهم: بر سر قبر می ایستد و در حق مرده دعای کند و تشییع کنندگان را نیز به این کار دستور می دهد؛ چنانچه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «استغفروا لأخیکم و سألوا له التثبیت فإِنَّه الآن یُسأل».

ترجمه: برای برادر تان طلب آمرزش کنید و ثابت ماندن [بر ایمان و شهادت] را برای او [از الله] بخواهید؛ زیرا اکنون از وی سؤال می‌شود. (ابوداود روایت کرده و شیخ آل‌بانی آن را حسن دانسته است).

توجه: یکی از اشتباهاتی که تشییع کنندگان مرتکب می‌شوند این است که بعد از دفن مرده بی‌درنگ از آنجا دور می‌شوند؛ غافل اند از این که بیشتر از هر زمان دیگری مرده به حضور [مشایعت کنندگان] و دعا در آنجا نیاز دارد.

لذا مردم را توصیه می‌کنیم به اینکه حداقل نزدیک یک ساعت کنار قبر بمانند و به صورت سری و مخفیانه برای مرده دعا کنند البته نه بدان صورت که بعضی با صدای بلند دعای کنند.

از الله ﷻ می‌خواهیم که از گناهان ما و تمامی مسلمانان درگذرد... آمین آمین یارب العالمین.

ره‌نموده‌ای رسول الله ﷺ در مورد زیارت قبرستان‌ها

یکی از ره‌نموده‌های رسول الله ﷺ زیارت قبور بود؛ چنانچه می‌فرمود: «إني نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها، فإن فيها عبرة، ولا تقولوا ما يسخط الرب».

ترجمه: همانا من شما را از زیارت قبرها نهی کرده بودم، از این بعد آن‌ها را زیارت کنید، زیرا در زیارت آن‌ها نهنفته است، و آنچه که پروردگار را به خشم می‌آورد در زبان جاری نسازید. (امام احمد روایت کرده و شیخ آل‌بانی آن را صحیح دانسته است).

زمانی که رسول الله ﷺ به زیارت قبرستان تشریف می‌بردند، بر اهل قبور سلام می‌کردند و برای آنها طلب بخشش و دعای رحمت می‌کردند. و به اصحاب و یارانش نیز آموزش می‌دادند زمانی که به زیارت

قبرستان می روند، بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ، أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ».

ترجمه: سلام بر شما باد، ای ساکنان و اهل [این] جایگاه از مؤمنین و مسلمین! قطعاً ما هم ان شاء الله به شما ملحق می شویم؛ از الله ﷻ برای خود و شما، عافیت و رستگاری را مسئلت می نمایم. (به روایت امام مسلم).

رسول الله ﷺ از رفتن به داخل قبرستان بادمپایی یا کفش نخی فرمودند، مگر زمانی که خار و خاشاکی در زمین قبرستان باشد یا هوای گرم، یا خیلی سرد باشد که به پا آسیب می رساند.

رسول الله ﷺ به مرده ها وابسته نبود، به آنها متوسل نمی شد، حاجات و نیازهای خود را از آنها نمی خواست، در کنار قبر آنها اعتکاف نمی کرد، دست خود را به قبر آنها نمی مالید و در کنار قبر ذبح نمی کرد. چرا که نه تنهائیهی این کارها جز بدعت و نوآوری در دین محسوب می شود، بلکه بعضی از آنها به دایره ی شرک اکبر داخل می شود.

[همچنین] از ایشان ثابت نشده است که در کنار قبر بایستد و سوره فاتحه را بر روح میت قرائت کند؛ چنانچه بیشتر مردم امروزه این کار را انجام می دهند، بلکه تنها عابرای مرده کفایت می کند.

توجه: بعضی از مردم عادت کرده اند که روز خاصی را در سال مانند روز عید، یا روز جمعه برای زیارت قبور خانواده یا خویشاوندان خود تخصیص می دهند که البته هیچ دلیل صحیحی برای آن ثابت نشده است، بلکه علماء این کار را از جمله بدعت های شمرده اند که به دین وارد شده است. و رسول الله ﷺ می فرماید: «وَشَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ».

ترجمه: و بدترین کارها، امور تازه وارد [در دین] است، و هر امر تازه ای [در دین] بدعت است، و هر بدعتی [مخالف قرآن و سنت] گمراهی است. (به روایت امام مسلم).

ره‌نموده‌ای رسول اله ﷺ در مورد تعزیت

یکی از ره‌نمودهای رسول الله ﷺ گفتن تسلیت و ابراز همدردی با اهل و خانواده‌ی میت و بر آورده کردن حاجت‌ها و نیازهای آنها و نیز تشویق آنها به صبر و بردباری و راضی شدن به قضا و قدر الهی بود.

رسول الله ﷺ می‌فرمود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ، فَيَقُولُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ: اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلَفَ لِي خَيْرًا مِنْهَا، إِلَّا أَجْرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي مُصِيبَتِهِ وَأَخْلَفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا».

ترجمه: هر مسلمانی که مصیبتی به او برسد و سپس بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلَفَ لِي خَيْرًا مِنْهَا». یعنی: ما از خدا ایم و به سوی او باز میگردیم، خدایا! مراد مصیبتیم ما جور بفرما و بهتر از او را برایم جانشین او کن! «خداوند متعال در مصیبتش به او اجر می‌دهد و بهتر از مرده را برایش جایگزین می‌گرداند. (به روایت امام مسلم). اجتماع کردن برای تعزیه و قرائت قرآن در خانه یا مسجد یا غیره، جزو ره‌نمودهای رسول الله ﷺ نبوده بلکه علما آن را از جمله رسوم و آداب وارد شده در دین بر شمرده‌اند.

تذکر: بعضی از عزاداران برای اظهار غم و اندوه خود و اینکه نشان دهند که عزادار هستند، لباس سیاه به تن می‌کنند که این نیز از بدعت‌هایی است که توسط مردم اختراع شده است.

تذکری دیگر: بعضی از مردم کسانی را که در مراسم عزاداری شرکت نکرده‌اند به کوتاهی در حق صاحب عزای متهم می‌کنند که البته شایسته نیست، چرا که چیزی را به مردم تحمیل می‌کنند که دین مبین اسلام، ما را بدان مکلف نکرده است. لذا لازم است که برای برادرانمان عذر بیاوریم و نه چیزی را به آنها تحمیل کنیم.

ره‌نموده‌ای رسول‌الله ﷺ در مورد سوگواری و عده وفات

رسول‌الله ﷺ سوگواری برای زنی که شوهرش وفات یافته است را واجب کرده و به دیگران اجازه داده است که عزادار باشند. چنانچه الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾. [البقرة: 234].

ترجمه: و کسانی که از شما [مردان] می‌میرند و همسرانی از پس خود به جای می‌گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند [و عده نگاه دارند]، و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند و آن را به پایان بردند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند.

رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: «لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُوْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثٍ، إِلَّا عَلَى زَوْجٍ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا».

ترجمه: هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آن صورت، می‌تواند چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند. (متفق علیه).

سوگواری یعنی: دوری کردن زنی که شوهرش وفات یافته است، از تمام چیزهایی که میل به نگاه کردن آن در انسان به وجود می‌آید و منجر به ازدواج می‌شود.

عده: به مدت زمانی گفته می‌شود که زن پس از طلاق یا فوت شوهرش نباید شوهر کند.

زنی که در سوگ نشسته است باید نکات زیر را رعایت کند:

اول: اینکه از تمام مظاهر زینتی و آرایشی که شامل لباس، بوی خوش، سرمه کردن چشمها و استفاده از زیورآلات می شود به احترام همسر فوت شده اش در مدت سوگواریش دوری کند.
دوم: اینکه عده‌ی خود را در منزل شوهرش سپری کند و جز در مواقع ضروری مانند رفتن به بیمارستان و... از منزل خارج نشود.

سوم: اینکه هیچ خواستگاری نباید به خواستگاری اش برود و زن باید از تمام چیزهایی که سبب جلب خواستگاری می شود دوری کند تا اینکه هیچ کس به فکر ازدواج با وی نیفتد و خود را تا پایان مدت عده از این مسایل دور نگه دارد.

چهارم: مدت زمان عده‌ی زنی که شوهرش وفات یافته است اگر حامله نباشد، چهار ماه و ده روز می باشد؛ اما اگر حامله باشد هر گاه وضع حمل کند عده‌ی او نیز به پایان می رسد.
پنجم: اگر زنی در آن مدت تعیین شده به سوگ شوهرش ننشیند [عده را ترک کند] گنجه‌کاری شود؛ چرا که امر واجبی را ترک کرده است و بروی لازم است که از کار خود اظهار پشیمانی و توبه کرده و عزم و اراده کند که بار دیگر به این عمل برنگردد.

توجه: بعضی از زنانی که در سوگ شوهر به سر می برند عادت کرده اند که لباس سیاه می پوشند، به حیاط خانه و پشت بام نمی روند، ماه شب چهارده را تماشا نمی کنند، با هیچ مردی صحبت نمی کنند، با تلقن صحبت نمی کنند، اگر کسی دقّ الباب کند با فرد پشت در صحبت نمی کنند و از این قبیل اموری که هیچ دلیلی از جانب اللہ ﷻ بر آن نیست و همه این موارد جز خرافه ای بیش نیست و هیچ اصلی در شرع مطهر ندارد.

ره‌نموده‌ای رسول‌الله ﷺ در مورد آنچه که برای مرده منفعت دارد

رسول گرامی اسلام ﷺ برای میان‌فرمودند زمانی که انسانی وفات می‌یابد عملش و رزق و روزی‌اش و اجر و پاداشش قطع می‌شود مگر از سه راهی که خانواده و خویشاوندان و دوستان میت انجام می‌دهند که اجر و پاداشش به وی می‌رسد؛ چنانچه فرموده است: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ».

ترجمه: وقتی انسان بمیرد، ثواب عمل او جز از سه مورد قطع می‌شود: صدقه‌ای جاریه و همیشگی، علمی که از آن بهره گرفته شود و فرزند صالحی که برای او دعای خیر کند. (به روایت امام مسلم).

لذا لازم است که خانواده و خویشاوندان میت به حدیث مذکور پایبند بوده و به کارهایی که برای میت هیچگونه منفعتی ندارد اعتنائی نکنند؛ چرا که تمام خیر و خوبی‌ها در پیروی از رهنمودهای رسول‌الله ﷺ است.

پس خانواده و دوستان میت زیاد برایش دعا و طلب رحمت کنند و اگر میت شخص عالمی باشد طلابش بکشند تا عملش را بین مردم منتشر کنند، و اگر ثروتمند باشد، بازماندگانش تلاش کنند که قسمتی از مالش را صرف کارهای عام‌المنفعه مانند ساخت مسجد کنند، یا نفقه طالب علم یا یتیم و... را بعهده بگیرند.

چقدر انسان‌ها هستند که بواسطه کارهای خلاف سنت به مرده‌های خویش آزار می‌رسانند؛ اگر قبل از اینکه این کارها را انجام می‌دادند از علما در این مورد می‌پرسیدند آیا به نفع مرده بود یا خیر؟ قطعاً برای میت بهتر و پر منفعت‌تر بود.

اللهم صلِّ على متسکین به سنت رسول الله ﷺ را رحمت کند، و ما را به راه راست هدایت فرماید.

بدعت‌های متنوعی که انجام دادن آن جایز نمی‌باشد

قبل از بیان بعضی از بدعت‌ها و امور دخیل شده به سنت رسول الله ﷺ در مورد جنازه، دوست دارم که معنا و حکم شرعی بدعت را بیان کنم:

بدعت: تمام کارهایی که از اختراعات مردم بوده و هیچ اصلی در قرآن و سنت و عملکرد خلفای چهارگانه ندارد، بدعت نامیده می‌شود.

حکم بدعت: گمراهیست و به صاحبش بازمی‌گردد و غیر قابل قبول است، چنانچه رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَحَدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ».

ترجمه: کسی که در دینمان، چیزی ایجاد کند که از آن نیست، بدانند که عملش مردود است. (متفق علیه).

برادران و خواهران ایمانی! که الله من و شمارا از تمام بدعت‌ها محفوظ بدارد، بدانید و آگاه باشید که در امر جنازه بدعت‌های فراوانی وجود دارد که بعلت کمبود مجال نمی‌توان همه‌ی آنها را در اینجا مورد بحث و بررسی قرار داد؛ اما فقط جهت یادآوری و تذکر برای کسانی که به دنبال حقیقت‌اند، چندین مورد از مشهورترین آنها را در اینجا بیان می‌کنیم:

اول: قرائت سوره (یس) بر کسی که در حال احتضار است، یا در هنگام دفن کردن میت، یا بعد از آن.

دوم: خواندن سوره فاتحه بر قبر میت.

سوم: خواباندن شخصی که در حال احتضار است رویه قبله.

چهارم: خواندن اذکار گوناگون در هنگام شستن هر عضوی از اعضای بدن میت توسط غسل دهنده و رها کردن و فرو هشتن موهای میت [زن] از میان سینه‌اش.

پنجم: نوشتن دعایا آیتی از قرآن بر روی کفن.

ششم: به تاخیر انداختن دفن میت به مدت یک روز یا دو روز به علت حضور نداشتن فرزندان یا خویشاوندانش.

هفتم: حمل کردن حلقه‌ی گل و عکس مرده هنگام تشییع جنازه پیشاپیش میت.

هشتم: ذکر کردن با صدای بلند در هنگام تشییع جنازه، پاشیدن گلاب روی مرده در قبرش، و هنگامی که دفن شد، یا هنگام زیارتش.

نهم: قراردادن بالش یا مانند آن در قبر وزیر سر میت.

دهم: آشکار کردن صورت میت در قبر و قراردادن گونه‌اش رویه زمین.

یازدهم: اینکه بعد از اتمام خاکسپاری یک نفر در کنار قبر دعا کند و بقیه آمین بگویند.

دوازدهم: تلقین میت، به این صورت که گفته می‌شود: (الآن منکر و نکیر می آیند و تو در جواب آنها

چنین و چنان بگو).

سیزدهم: محدود کردن [جلسه گذاشتن و مراسم گرفتن] تعزیه به سه یا هفت روز.

چهاردهم: در آغوش گرفتن و بوسیدن همدیگر در هنگام عرض تسلیت.

پانزدهم: نصب تابلویی [یا اعلامیه] در مسجد جهت اعلام خبر مرگ اشخاص.

شانزدهم: اختصاص دادن لباس ویژه عزاداری مانند لباس سیاه مخصوص در بین زنان افرادی هستند که

بر این امر اصرار می‌ورزند.

هفدهم: ختم کردن قرآن در سه روز اول و بخشیدن آن به مرده.

هجدهم: آماده کردن غذا توسط خانواده میت در روزهای سوم و هفتم، گویا که در جشن و سرور هستند، و

این کار را صدقه‌ای برای مرده می‌پندارند!!

نوزدهم: جمع شدن در خانه و یا مسجد جهت برگزاری مجلس تعزیه.

بیستم: صف بستن اهل و خویشاوندان میت پس از دفن مرده خود به منظور دریافت عرض تسلیت از

جانب مردم، و دعا نکردن آنها برای مرده در زمانی که میت نیاز شدید به دعای آنها دارد.
بیست و یکم: نحوه سرایی برای میت؛ (نوحه یعنی: با صدای بلند صفات میت را بر شمردن و از کارهای
نیکش سخن گفتن).

بیست و دوم: نماز غائب بر کسی که نماز میت بر او خوانده شده است! و کسانی که این کار را انجام
می دهند به نماز رسول اللہ ﷺ بر نجاشی استدلال می کنند، اما این قیاس صحیحی نیست.

منابع مورد استفادہ

1. کتاب « احکام جنازہ » نوشتہ شیخ آلبنی رحمہ اللہ.
2. کتاب « التعليقات الرضية على الروضة النورية » نوشتہ شیخ آلبنی رحمہ اللہ.
3. کتاب « تيسير العلام شرح عمدة الأحكام » نوشتہ شیخ عبد اللہ البسام رحمہ اللہ.
4. کتاب « سبل السلام شرح بلوغ المرام » نوشتہ امام صنعانی رحمہ اللہ.
5. کتاب « زاد المعاد في هدي خير العباد » نوشتہ امام ابن قیم رحمہ اللہ.
6. کتاب « فتح الباري في شرح صحيح البخاري » نوشتہ امام ابن حجر رحمہ اللہ.
7. « کتاب الجنائز من الشرح الممتع على زاد المستقنع » نوشتہ شیخ عثيمين رحمہ اللہ.
8. « کتاب الأم » امام شافعی رحمہ اللہ.
9. کتاب « المغنی » نوشتہ عبد الغنی مقدسی رحمہ اللہ.
10. کتاب « نیل الأوطار » نوشتہ امام شوکانی رحمہ اللہ.